



# امانتداری

تدریس از مهارت‌های حرفه‌ای معلمان است و لازمه آن شناخت فراگیران و روش‌های متنوع آموزشی و تربیتی است. هر اندازه معلم با روش‌های جدید آشنا تر باشد، ابزارهای بیشتری را در اختیار خواهد داشت تا در کارش موفق تر باشد. لازم است معلم توانایی خود را بشناسد و روش قدیمی را با روش پویا تغییر دهد تا روحیه خلاقیت را در دانش‌آموزان شکوفا سازد.

مریم آل ابراهیم  
دبیر ناحیه ۲ شیراز

## مسئله

در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ دبیر ادبیات پایه جدید هفتم شدم. در روز اول پس از معرفی، از بچه‌ها خواستم خود را معرفی کنند تا سوای آشنایی با آن‌ها، به بعضی از ویژگی‌های آنان، از جمله اعتماد به نفس، قدرت بیان، وضعیت جسمانی و سایر خصوصیات ایشان آگاه شوم. سه هفته گذشت. در همین مدت کوتاه متوجه شدم که آن‌ها از مهارت‌های اولیه زندگی برخوردار نیستند. یکی از مواردی که پیش آمد این بود که هر روز چیزی از جمله پول توجیبی یکی از بچه‌ها مفقود می‌شد و هنگام ورود به کلاس با همه‌مهمه بچه‌ها مواجه می‌شدم؛ ناچار بودم قدری از وقت کلاس را برای حل مشکل صرف کنم، لذا به دنبال یافتن حل مسئله رفتم.

## راهکارها

**اول:** برای تقویت امانتداری، سعی کردم در هنگام تدریس متناسب با موضوع گریزی بزنم و اهدافی را دنبال کنم. مثلاً در تنظیم تابلوی آموزشی سی دی جاهای دیدنی شیراز را قرار دادم، بچه‌ها بدون مراجعه به من اسم خود را در فهرست اسامی امانت گیرندگان که بر تابلو نصب شده بود، می‌نوشتند و تاریخ تحویل و بازگرداندن آن‌را یادداشت می‌کردند (هدف: ارتقای حس اعتماد به نفس، تقویت امانتداری) (تصویر ۱ و ۲)

**دوم:** وسیله‌ای را امانت می‌گرفتم و مدتی عمداً برنمی‌گرداندم و سپس سراسیمه آن را از کیف در آورده و بعد از کلی عذرخواهی، حواس بچه‌ها را به این امر معطوف می‌کردم و می‌گفتم: بچه‌ها! نگاه کنید. فکر کنم دو سه هفته است که خانم ... خودکارش را به من داده اما نمی‌گوید «خانم خودکارم را بده» و کلی معذرت خواهی می‌کردم



↑ تصویر ۳- تقویت تعامل



↑ تصویر ۲- آوردن کتاب از منزل



↑ تصویر ۱- تابلوی ادبیات

## با توجه به آموزه‌های دینی می‌توان اهداف تربیتی خود را دنبال کرد و عادات ناپسند را از سر راه برداشت

به مطالعه و تفحص در کتب معتبر و منابع مهم تربیتی پرداخته باشد. همچنین در اولین گام از اکسیر محبت کمک بگیرد. شعرای فارسی زبان، عشق را اکسیر محبت نامیده‌اند. کیمیا گران معتقد بودند که در عالم ماده‌ای وجود دارد به نام اکسیر یا کیمیا که می‌تواند ماده‌ای را به ماده دیگر تبدیل کند و قرن‌ها به دنبال آن می‌گشتند. شعرا گفتند آن اکسیر واقعی که نیروی تبدیل دارد عشق و محبت است.

قرآن به پیغمبر (ص) می‌فرماید:

وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا ذَفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ (آل عمران / ۱۵۹) یعنی اگر تو خشن و سنگدل بودی مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند.

پرهیز از تحقیر در حضور جمع، جریحه‌دار نکردن عواطف، تکیه بر نقاط مثبت و به رخ نکشیدن نقاط منفی ... در توصیه‌های پیشوایان آمده است. حضرت علی (ع) در نامه تربیتی خود به فرزندش (ع) می‌نویسد: از ملامت بیجا پرهیز، زیرا افراط کردن در سرزنش آتش لجاجت را برمی‌افروزد.

معلم فرصت‌شناس با توجه به آموزه‌های دینی می‌تواند اهداف تربیتی خود را دنبال کند و عادات ناپسند را از سر راه بردارد. از جمله عادات ناپسندی که در مدارس با آن مواجه هستیم دست‌درازی و خیانت در امانت است. معلم می‌تواند با استفاده از راهکارهای ابداعی برای تیرک این عادات بد در دانش‌آموزان گام بردارد. مثلاً برداشتن اشیاء از کیف همکلاسی، و صریحاً بگوییم دزدی، مورد مهمی است که بیشتر در ابتدای سال، اتفاق می‌افتد.

از نظر روان‌شناختی اعتراف خواستن از شخص یا تهمت زدن به او نزد دیگران کاری غیرعقلانه است و از این طریق به ندرت می‌توان به ریشه اصلی مشکل پی برد، برعکس، این کار تنها به دروغ‌گویی یا ریختن آبروی او منتهی می‌شود.

رفتار نامناسب معلم باعث می‌شود که دانش‌آموز ناراحت شده و از درس و مدرسه زده شود و به دست‌درازی و خیانت بیش از پیش مٌصر شود. این خلاقیت معلم را می‌طلبد که با توجه به شرایط و خصوصیات دانش‌آموز عمل کرده و در رفع مشکل گام بردارد.

تا دیگران به صورت غیرمستقیم احترام به بزرگ‌تر، ادب، امانتداری، را بیاموزند.

**سوم:** برای ترغیب بچه‌ها به مطالعه و امانتداری می‌خواستم برای جلسه انشا کتاب‌های مفید خود را بیاورند و به همدیگر امانت بدهند تا هم به کتابخوانی ترغیب شوند و هم امانتداری و نگهداری از وسایل دوستان را بیاموزند. (تصویر ۲)

**چهارم:** یک روز در ساعت املا بچه‌ها اکثراً تقلب می‌کردند ولی من عکس‌العملی نشان ندادم، اما در جلسه بعد به آن‌ها اعلام گفتم: «بچه‌ها! من برای املا نوشتن شما را جابه‌جا نمی‌کنم تا اگر احساس کردید کلمه‌ای را بلد نیستید از بغل دستی کمک بگیرید»، بچه‌ها با تعجب به من نگاه کردند و چون این اختیار را داده بودم که نگاه کنند به صورت مشهودی ملاحظه کردم که قریب ۹۵ درصدشان از تقلب کردن دست برداشتند. گاه در ضمن املا برخی کلمات را که بلد نبودند روی تابلو می‌نوشتیم تا صحیح آن در اذهان آن‌ها شکل بگیرد؛ اتفاقاً همان کلمه را برای دیکته‌های بعدی درست می‌نوشتند.

**پنجم:** در رنگ‌های املا، دفترها را برای تصحیح در منزل بین آن‌ها توزیع می‌کردم. بچه‌ها دفترها را می‌بردند و جلسه بعد، برمی‌گرداندند. (هدف: تقویت: امانتداری، ارتقای حس نوع‌دوستی، عدم خیانت در امانت و ...)

**ششم:** در برنامه‌هایی که برگزار می‌شد شرکت فعال داشتیم و برای تعقیب اهداف تربیتی خود از جمله: محبت به همکلاسی، دوست‌ورزی، تقویت تعامل صحیح با دوستان و مربیان، آن‌ها را به شرکت در برنامه‌ها ترغیب می‌کردم. مثلاً در جشنواره غذا، جهت شرکت فعال در این برنامه، از ایشان می‌خواستم که در جلسات بعدی انشا ۱. گزارشی کوتاه، ۲. انشایی مختصر، ۳. خاطره‌ای به یاد ماندنی و ۴. احساس خود را بنویسند (تصویر ۳)

## جمع‌بندی

راهکارهای ذکر شده می‌تواند در رفع مشکل مؤثر باشد. بی‌شک زمانی معلم در راستای اهداف تربیتی خود می‌تواند گام‌های مؤثرتری بردارد که